

نامیدی علی اکبر صالحی
از تفسیم های اروپا برای حفظ برجام
**پیشنهادهای اروپا
کافی نیست**



صفحه ۲

پنجشنبه ۳۱ خرداد ۱۳۹۷ | ۷ شوال ۱۴۳۹ | ۲۱ ژوئن ۲۰۱۸ | سال دهم | شماره ۲۴۶۶ | ۱۶ صفحه | ۱۰۰۰ تومان

۱۱۷۹ سال و ۲۰۶ روز گذشت

VATAN-E-EMROOZ | Vol.10 | No.2466 | Thu.Jun.21,2018 | ISSN:2008-2886

صفحه ۳

سخنگوی کمیسیون عمران مجلس:
**آخوندی برنامه‌ای
برای مسکن ندارد**



یادداشت امروز

سندروم «می» را جدی بگیریم لزوم اصلاح پیش فرض‌ها در دستگاه دیپلماسی

■ نوید مؤمن ■

«ثوابت» و پیش‌فرض‌های ذهنی «همواره زمینه‌ساز» تصمیمات مهم سیاستمداران محسوب می‌شود. برخی از این ثوابت، ماهیتی «تجربی» داشته و متأثر از تجربیاتی است که سیاستمداران با مرور زمان در نظام بین‌الملل او در قبال ماهیت رفتار بازیگران ا کسب می‌کنند و برخی نیز القایی و غیرتجربی بوده که بعضا محصول «فراآوری یک تحلیل» یا «خوانش یک رفتار» در طرف یا طرف‌های مقابل است. هر اندازه «ثوابت» و «پیش‌فرض‌های ذهنی» سیاستمداران به واقعیات جاری در نظام بین‌الملل نزدیک‌تر باشد، قدرت تصمیم‌سازی و ضمانت اجرایی تصمیمات آنها در نظام بین‌الملل قوی‌تر خواهد شد. عکس این قاعده نیز صادق است؛ به این معنا که «خلق پیش‌فرض‌های نادرست» و «ترویج گزاره‌های القایی غلط» منجر به اتخاذ تصمیمات هیجانی و پرهیزنه در حوزه دیپلماسی و سیاست خارجی کشور می‌شود. هم‌اکنون بنا به تعبیر رهبر انقلاب اسلامی، در یک «پیچ تاریخی» مهم قرار گرفته‌ایم. عبور موفقیت‌آمیز از این پیچ تاریخی، قدرت «تصمیم‌سازی موثر» مسؤولان حوزه سیاست داخلی و خارجی کشور را می‌طلبد. در این میان، بسیار مهم است که چه «گزاره‌ها» و «پیش‌فرض‌هایی» در ذهن سیاستمداران ما نهادینه شده باشد. پس از خروج «دونالد ترامپ» از توافق هسته‌ای با ایران، مذاکرات دستگاه دیپلماسی با تروئیکای اروپایی با هدف چگونگی تامین تعهدات برجامی ۱+۵ آغاز شد. این مذاکرات در حالی ادامه دارد که شرکت‌های خصوصی اروپایی، یک به یک در حال خروج از ایران و گریز از تحریم‌های ثانویه آمریکا هستند. فارغ از عدم خوشبینی منطقی نسبت به شکل‌گیری برجام اروپایی، شاهد نهادینه شدن برخی پیش‌فرض‌های نادرست در ذهن مسؤولان حوزه دیپلماسی و سیاست خارجی هستیم. تثبیت این پیش‌فرض‌های نادرست، از یک سو می‌تواند منجر به القای گزاره‌های نادرست به افکار عمومی و از سوی دیگر، منتج به اتخاذ رفتار و تصمیمی نادرست در مصاف با طرف اروپایی شود.

مهم‌ترین و خطرناک‌ترین پیش‌فرضی که مدت‌هاست در مخابه یک «گزاره تثبیت شده»

در حوزه سیاست خارجی کشورمان مورد شناسایی قرار گرفته است، «تفکیک بازی اروپا از آمریکا»ست. گویا متعاقب برگزاری نشست اخیر گروه ۷ و بروز مناقشاتی درباره نوع رفتار اقتصادی ترامپ و عدم امضای بیانیه پایانی توسط رئیس‌جمهور آمریکا- این «باور نادرست» به صورتی جدی‌تر مورد توجه برخی سیاستمداران ما قرار گرفته است. بدیهی است کسی منکر «تشدید منازعات درون آتلانتیکی» در دوران ریاست‌جمهوری ترامپ نیست. این منازعات خود را در مواردی مانند خروج واشنگتن از معاهده پاریس و همین‌طور برجام، وضع تعرفه‌های گمرکی بر فولاد و آلومینیوم از سوی آمریکا و موضوع افزایش هزینه‌های نظامی اعضای ناتو نشان داده است. با این حال نباید از این مقدمه نتیجه‌ای «ایدهال‌گرایانه» استنباط کرد. اظهارات اخیر «ترزا می» نخست‌وزیر انگلیس درباره منازعات آمریکا و اروپا و مسأله برجام، گویای واقعیتی است که امروز کمتر مورد توجه دستگاه دیپلماسی ما قرار می‌گیرد: «اروپا باید از سیاست «این به آن در» در قبال ایالات متحده پرهیز کند و به فکر انتقام‌جویی از ترامپ نباشد. برخی اختلافات میان آمریکا و اروپا، از جمله اختلاف بر سر برجام را می‌توان با گفت‌وگو حل کرد».

تحلیل محتوای سخنان کوتاه - اما گویای- نخست‌وزیر انگلیس چندان دشوار نیست: ازرامی عملا پیش‌فرض «تفکیک بازی اروپا از آمریکا» را در نظام بین‌الملل به چالش کشیده و حتی آن را ابطال کرده است. نخست‌وزیر انگلیس حتی یک گام فراتر نهاده و از اتحادیه اروپایی خواسته است در مقابل اقدامات یکجانبه‌گرایانه خاص ترامپ در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی تسلیم شود و اقدامی در تقابل با واشنگتن انجام ندهد. مشابه این رویکرد را در میان سیاستمدارانی مانند «انگلا مرکل» صدراعظم آلمان و «امانوئل ماکرون» رئیس‌جمهور فرانسه نیز پیش‌تر مشاهده کردیم. این دو نیز به جای در پیش گرفتن استراتژی تقابل با آمریکا، به «هدیریت رفتار ترامپ» از طریق مذاکره رو آورده‌اند.

ادامه در صفحه ۵



تیم ملی ایران در عین شایستگی
با یک گل بازی را به اسپانیا واگذار کرد

جنگیدیم امیدواریم

محض مانع خلق یک شگفتی بزرگ شد. ایران بازنده سرافراز بود، بازنده‌ای که هرگز از نام حریف نهراسید و بازی جاندارای را اتصام داد. با این وجود هنوز تیم ملی ما در بازی با پر تقال شانس صعود از گروه را دارد.

کاملا اتفاقی بازی را به اسپانیا واگذار کرد اما نمایش شاگردان کی‌روش ورای تصور همه بود. تیم ما بعد از دریافت گل کاستنا صاحب چند موقعیت فوق‌العاده شد که یک بار کمک داور گل عزت‌اللهی را مردود اعلام کرد و بارهای دیگر بدشانسی

شاید تا قبل از بازی خیلی از ایرانی‌ها از باخت یک بر صفر مقابل اسپانیا اعلام رضایت می‌کردند اما این نتیجه در ششی حاصل شد که ملی‌پوشان کشورمان طی یک نمایش فوق‌العاده، موجب حیرت همگان شدند. ایران با یک گل

گزارش رأی یک دادگاه در نیویورک علیه ایران در سکوت مسؤولان دیپلماسی

کلاهی به گشادی ۶ میلیارد دلار!

محکومیت غیابی ایران در این دادگاه، بر اساس قوانین آمریکا، ایران تا ۲۸ ماهه یعنی ۷ خرداد، برای اعتراض به حکم صادره فرصت داشت. فرصتی که با سکوت مسؤولان ایرانی تمام شد و دستگاه دیپلماسی کشور تاکنون تنها به محکوم کردن شدید این حکم غیابی از سوی سخنگوی وزارت

ایران، بلکه از سوی بسیاری از کارشناسانی که بررسی پرونده ۱۱ سپتامبر را برعهده دارند رد شده است و روایت رسمی ایالات متحده از این حادثه را کذب می‌دانند. حالا اما ماجرا به این ادعاها و فرضیه‌ها



قبل تر هم دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی افق نو از ارسال نامه چهره‌های مطرح و بین‌المللی به وزارت خارجه خبر داده بود که این افراد که تعدادشان به ۸۶ نفر می‌رسد، خواستار اعتراض به حکم دادگاه نیویورک جهت برداشت ۶ میلیارد دلار از دارایی‌های ایران به عنوان غرامت حملات ۱۱ سپتامبر شده بودند و اعلام کردند برای دفاع از ایران در دادگاه‌های آمریکا و شهادت به نفع ملت ایران آمادگی کامل دارند

■ عادت به سکوت

این برای نخستین‌بار نیست که ایران در یک دادگاه غیابی محکوم می‌شود و قطعا آخرین‌بار نیز نخواهد بود. ایران در برهه‌های زمانی مختلف مورد ظلم و قضاوت نادرست چنین مجامع حقوقی و قضایی در برخی کشورها قرار گرفته است. آنچه در این باره اهمیت دارد، این است که ایران هنوز آنچنان که باید و شاید از حق قانونی خود برای اعتراض به این دادگاه‌ها در مجامع بین‌المللی و حقوقی استفاده نکرده و گویی اکنون این عدم اعتراض و واکنش جدی، به رسمی در کشورمان تبدیل شده که مسؤولان مربوط در کشورمان گاهی تنها به موضع‌گیری‌های تکراری بسنده می‌کنند. در حالی که باید با ارائه مستندات و استدلال‌های قوی و اقدامات مناسب، مظلومیت خود را اثبات کرده و متعاقب آن در پی احقاق حقوق ضایع شده برآیند. اقداماتی که اگر بموقع و دقیق انجام شود بعدها حتی راه را برای شکایات ایران علیه ایالات متحده و برخی کشورهای دیگر که در موقعیت‌های مختلف، به پهنه‌های مختلف اقدام به محکومیت ایران نزد انظار عمومی و نیز توقیف میلیاردها دلار از سرمایه این کشور کرده‌اند، باز می‌کند.

همچنان در گوشه و کنار دنیا فرضیه‌هایی درباره این حادثه تروریستی مطرح شده و مورد بحث قرار می‌گیرد. فرضیه‌هایی که گاهی تا آنجا پیش می‌رود که حتی پای ایران را نیز به پرونده ۱۱ سپتامبر باز می‌کند و سعی دارند ایران را یک سوی این حملات نشان دهند. ادعایی که بارها و بارها نه فقط از سوی

ایران، بلکه از سوی بسیاری از کارشناسانی که بررسی پرونده ۱۱ سپتامبر را برعهده دارند رد شده است و روایت رسمی ایالات متحده از این حادثه را کذب می‌دانند. حالا اما ماجرا به این ادعاها و فرضیه‌ها

ختم نمی‌شود. اردیبهشت ماه امسال دادگاهی در نیویورک برای بررسی همین دست ادعاها تشکیل می‌شود. دادگاهی که در حکمی تعجب‌برانگیز ایران را به اتهام مشارکت در حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به مرکز تجارت جهانی نیویورک به پرداخت بیش از ۶ میلیارد دلار غرامت به خانواده‌های قربانیان این حادثه محکوم کرد. دقیقا مصداق آش نخورده و دهان سوخته!

این حکم از سوی «جرج بی دنیلز» قاضی دادگاه فدرال آمریکا در جنوب نیویورک که پیش از این نیز سابقه صدور احکام غیابی علیه ایران را در کارنامه خود دارد و سال گذشته نیز در حکمی مشابه، ایران را به پرداخت ۱۰ میلیارد دلار محکوم کرده بود، صادر شده است. دادگاه آمریکا مقرر کرده است ایران باید به همسران قربانیان نفری ۱۲/۵ میلیون دلار، والدین قربانیان ۸/۵ میلیون دلار، کودکان آنها ۸/۵ میلیون دلار و خواهران و برادران آنها نفری ۴/۲۵ میلیون دلار بپردازد. این مبلغ شامل بهره پول از زمان رخداد حادثه نیز می‌شود!

■ واکنش ایران
پس از صدور رای دادگاه فدرال نیویورک و

گزارش امروز

علیرضا فیروزی: شاید کمتر

کسی در دنیا عبارت «۱۱ سپتامبر» را نشنیده باشد یا از این حادثه تروریستی که هنوز هم نقل محافل حقوقی و بین‌المللی است بی‌اطلاع باشد. حادثه‌ای با ۳ هزار قربانی و ۶ هزار زخمی و با روایت‌های متعدد که هر کدام سعی در شرح ماجرا از زوایای مطلوب خود دارند. اما روایت رسمی آمریکا از این حادثه این است که گروه‌هایی متشکل از ۴ یا ۵ مرد عرب که تیغ موکت‌بری به دست داشتند، ۳ فروند از آن هواپیماها را به برج‌های و توالت‌سند ۳ فروند از آن هواپیماها را به برج‌های دوقلو و ساختمان پنتاگون بکوبانند!

پس از برخورد ۲ هواپیما به برج‌های دوقلو، برج‌های تجارت جهانی در نیویورک که بر اثر برخورد هواپیماها و تأثیر آتش‌سوزی استحکام خود را از دست داده بودند، فرو ریختند و به ذره‌های خاکستر تبدیل شدند. ۳ روز پس از این حادثه «اف‌بی‌ای» فهرست هواپیماهایان را تهیه کرد. بر اساس روایت‌های رسمی دولت آمریکا، شکی نبود که اسامه‌بن‌لادن از غارهای افغانستان فرماندهی این عملیات را بر عهده گرفته است و همین باعث شد رئیس‌جمهور وقت آمریکا از محل حادثه دستور حمله به غرب آسیا را صادر کند.

تاکنون هیچ هیات رسمی غیرمنافع، در پی تحقیق و بررسی مفروض‌های این روایت رسمی برنیامه؛ با این حال ذهن‌های جست‌وجوگر و دانشمندانی از علوم مختلف به سرعت روایت‌های رسمی آمریکا را که سرشار از ایرادهای علمی بود به چالش کشیدند تا استدلال کنند اگر حادثه ۱۱ سپتامبر تماما به دست خود آمریکا انجام نگرفته باشد، دولت آمریکا در آن نقش مهمی داشته است. در این سال‌ها چندین مستند جدی و علمی درباره برنامهریزی‌های داخلی و همراهی خارجی درباره ۱۱ سپتامبر ساخته شده و این نقش داخلی حاکمیت آمریکا در حادثه را نشان داده است. با این حال، این حادثه که از ابتدا به عنوان «مجموع نشدنی‌ها در یک روز» غیرعادی می‌نمود، در سایه بررسی‌های بعدی، به یکی از مروم‌ترین حوادث جهان تبدیل شد.

■ نقش ایران در حادثه ۱۱ سپتامبر!
حدود ۱۷ سال از این حادثه می‌گذرد اما

تیتیرهای امروز

رهبر انقلاب در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس:

ضرورتی ندارد به کنوانسیون‌های مشکل‌دار پیوندیم

■ مجلس در مواردی مثل مبارزه با تروریسم و پولشویی خودش قانون بگذارد



صفحه ۲

تکذیب امضای خیانتنامه

کرباسچی: من نبودم!

صفحه ۲

پیامدهای خروج آمریکا از شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد چیست؟

دست‌های آلوده

صفحه ۱۵

رئیس دفتر روحانی از تغییرات قریب‌الوقوع در دولت خبر داد

خانه‌تکانی کابینه قبل از یک‌سالگی

صفحه ۳

نگاه‌مهمان

فدایی اسرائیل

■ علی بیگدلی* ■

خروج ایالات متحده از شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد موضوعی است که سابقه و ریشه آن حداقل به یک سال قبل مربوط می‌شود. اصل ماجرا این است که واشنگتن به حمایت از اسرائیل، ماه‌ها قبل هشدار داده بود اگر این شورا دست از خصومت با تل‌آویو برندارد، آمریکا از این شورا خارج خواهد شد. مواضع نیکی هیلی نسبت به شورای حقوق بشر ملل متحد در حالی اعلام شد که در روزهای اخیر شاهد جداسازی بسیاری از کودکان منتسب به خانواده‌های پناهندگان بوده‌ایم که طیف قابل‌توجهی از آنها مرکزی هستند. به صورتی که خانواده این کودکان در زندان قرنطینه شده‌اند و کودکان آنها در اردوگاه‌هایی به صورت جداگانه نگهداری می‌شوند. این موضوع باعث شده فضای سیاسی - اجتماعی حاکم بر واشنگتن رو به سردی برود و اعلام خبر خروج آمریکا از شورای حقوق بشر سازمان ملل هم مهر تاییدی شد بر اقدامات دولت ترامپ علیه خانواده‌های پناهندگان. به عبارت دیگر خروج از شورای حقوق بشر و رفتار دولتمردان با پناهندگان این خروجی را به تصویر کشیده که انسانیت و شعارهای حقوق بشری برای آمریکا تنها جایگاه سیاسی دارد و به عنوان یک ابزار از آن استفاده می‌شود.

نکته اصلی در هر دو موضوع این است که ترامپ رسماً اعلام کرده تنها مسأله‌ای که برای دولت ایالات متحده، کاخ سفید و تیم وی ارجحیت دارد و بر آن متمرکز هستند، منافع واشنگتن در داخل و خارج از آمریکاست. از جهت دیگر باید توجه داشت ایالات متحده سهم را از حیث حمایت‌های مالی از سازمان ملل و زیرمجموعه‌های آن در بین دولت‌های عضو دارد. از این منظر باید گفت ایالات متحده (بویژه دولت ترامپ) به دلیل تعهدات خود مبنی بر حمایت از اسرائیل درصدد است بتواند با اعمال فشار بر سازمان ملل، فشار دیپلماتیک را از اسرائیل کم کند. بدین جهت است که ما شاهدیم آمریکا سناریوی خروج از پیمان‌ها و سازمان‌های بین‌المللی مانند یونسکو، پیمان آب و هوایی پاریس یا پس گرفتن امضای خود از ذیل تفاهمنامه گروه ۷ را این‌بار در شورای حقوق بشر سازمان ملل تکرار کرده و احتمال دارد در روزهای آینده وساطت برای بازگشت واشنگتن به شورای حقوق بشر سازمان ملل از سوی دولت‌های دیگر جنبه عملیاتی پیدا کند.

ادامه در صفحه ۵